



خبر

منطقه ۴تهران

پرجمعیت‌تر از بندرانزلی ولاهیجان

در تهران هشت میلیون و ۶۰۰ هزار نفری، محله فتح در منطقه ۹ با ۸۶ نفر به عنوان کم جمعیت‌ترین محله و تهرانپارس غربی با جمعیتی بالغ بر ۱۲۵ هزار نفر، پرجمعیت‌ترین محله پایتخت شناخته می‌شود.

به گزارش جام‌جم، این اطلاعات را می‌توان در سایت داده‌نمای شهرداری تهران دید؛ وبگاهی با آدرس data.tehran.ir که در حاشیه دومین همایش تهران هوشمند رونمایی شد و حالا به مرجعی برای دسته‌بندی اطلاعات آماری کلانشهر تهران تبدیل شده است.

براساس اطلاعات موجود در همین وبگاه، محله تهرانپارس غربی در منطقه چهار با داشتن جمعیتی بالغ بر ۱۲۵هزار نفر پرجمعیت‌ترین محله و شلوغ‌تر از شهرهای بزرگ و قدیمی مثل بندر انزلی، لاهیجان و چابهار است. محله مسعودیه در منطقه ۱۵ و جنت‌آباد جنوبی در منطقه پنج به ترتیب پس از تهرانپارس غربی پرجمعیت‌ترین و همچنین محله بوستان ولایت در منطقه ۱۹ و کوهسار در منطقه یک نیز بعد از فتح، کم جمعیت‌ترین محلات شهر تهران هستند.

براساس آخرین آمار منتشر شده در سایت داده‌نما، منطقه چهار با داشتن جمعیتی بالغ بر ۹۲۰ هزار نفر، پرجمعیت‌تریـن و منطقه ۹ با داشتن حدود ۱۷۴ هزار نفر کم‌جمعیت‌ترین منطقه شهر تهران محسوب می‌شوند.

همچنین متراکم‌ترین منطقه تهران به لحاظ جمعیت، منطقه ده با آمار ۳۹۹ نفر بر هر هکتار است. منطقه ۲۲ نیز با آمار ۳۰ نفر بر هر هکتار عنوان کم‌تراکم‌ترین منطقه تهران را از آن خود کرده است. وجود بافت ریزدانه در منطقه ده و زمین‌های غریض در منطقه ۲۲ نشان‌دهنده و دلیل حجم بالا و کم‌تراکم در این دو منطقه است.

افزایش ۲۰درصدی اعتبار

حمایت از بیماران صعب‌العلاج

سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: طرح تحول سلامت ادامه می‌یابد و در مسیر حرکت تعمیر می‌شود و به خصوص بخش مربوط به حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج این طرح تقویت می‌شود و اعتبار حمایت از این بیماران ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش می‌یابد.

به گزارش ایرنا، سعید نمکی دیروز در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران افزود: هیچ دارویی به‌ویژه داروهای اساسی از پوشش بیمه‌ای خارج نشده و این یک شایعه است. اگر موردی دارید حتماً به دفتر من منعکس کنید.

وی ادامه داد: داروهای بیماران خاص، داروهای بیماران صعب‌العلاج و داروهای اساسی که در فارماکوپه (فهرست دارویی ایران) قرار دارند همگی تحت پوشش بیمه هستند و هیچ‌گونه مشکلی در این خصوص نداریم.

۵۱درصد سهام بیمارستان

هلال احمر در دبی باید واگذار شود

رئیس جمعیت هلال احمر گفت: بیمارستان ایرانیان در دبی تعطیل نشده است، اما برای ادامه فعالیت آن باید مجوز تجاری بگیریم در این صورت باید ۵۰ درصد سهام بیمارستان به یک فرد اماراتی یا یک فرد ایرانی که پاسپورت اماراتی دارد، واگذار شود.

به گزارش جام‌جم، علی‌اصغر پیوندی در نشست با اعضای فرانکسیون هلال احمر مجلس در مورد وضعیت بیمارستان هلال احمر در دبی توضیحاتی را ارائه داد و باتاکید بر این‌که این بیمارستان به هیچ وجه تعطیل نشده، افزود: پیش از این‌اخطار داده شده بود که باید وضعیت فعالیت این بیمارستان تا یک نوامبر ۲۰۱۸ مشخص شود. تا این زمان باید اقداماتی را انجام می‌دادیم و در غیر این صورت دولت امارات به بسته شدن بیمارستان در یک بازه زمانی مشخصی اقدام می‌کرد.

پیوندی ادامه داد: سعی کردیم در داخل کشور راینی‌های مختلفی را انجام دهیم تا برای این مساله راهی پیدا کنیم. به همین خاطر سعی کردیم مسیری را پیدا کنیم تا بیمارستان دبی به فعالیت خود ادامه دهد و از طرفی قوانین کشور امارات را هم رعایت کنیم اما متأسفانه این راینی‌ها جواب نداد.



ایمان نوری نجفی

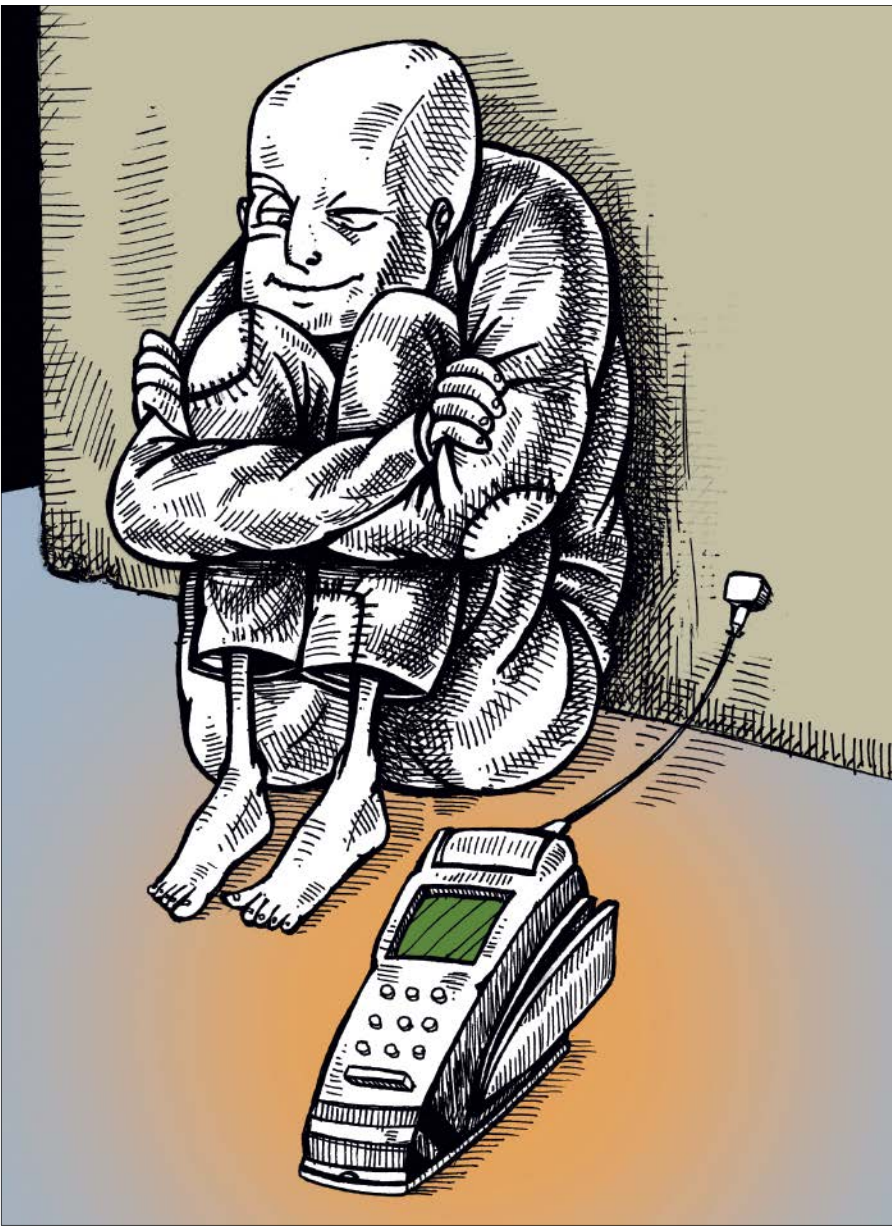
خبر

طرح:

ایمان نوری نجفی

دروس پیش نیاز در دبیرستان حذف شد

عباس سلطانیان، مدیرکل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه نظری وزارت آموزش و پرورش از حذف دروس پیش نیاز در دوره متوسطه دوم خبر داد و افزود: طبق ماده۶ آیین نامه آموزشی دوره دوم متوسطه، دروس پایه دهم پیش نیاز دروس پایه یازدهم نبود و وقتی دانش آموزی ارتقای پایه پیدا می کرد، می توانست همه دروس پایه یازدهم



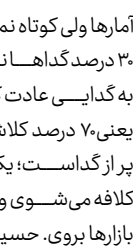
بررسی جدیدترین شگردهای گدایی

گدایی مدل ۲۰۱۹

خدا می‌داند آمارها چقدر درست و نزدیک به واقعیت هستند، مثلاً این که تهران ۴۰۰۰ گدا دارد که ۲۰۰۰ نفرشان بیه‌اند و ۱۴۰۰ نفر دیگرشان خارجی، فرماندار تهران البته می‌گوید این آمارها دقیق و درست است ولی رئیس انجمن مددکاران اجتماعی کشور می‌گوید مطمئن باشید جماعتی دراین آمارها از قلم افتاده‌اند مثل آنها که می‌آیند درخانه‌ها و مغازه‌ها پول یا خورندنی طلب می‌کنند.
با این حال دولتی‌ها اصرار به ارائه آمار دارند مثل معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور که دیروز گفت بیش از ۶۸ درصد کودکان کار تهران خارجی‌اند. این با آمار عیسی فرهادی، فرماندار تهران البته جور در نمی‌آید که گفت ۷۰ درصد متکدیان پایتخت از شهرستان‌ها آمده‌اند.

آمارها ولی کوتاه نمی‌آیند و فرهادی بازهم آمار می‌دهد که

۳۰ درصد گداها نیازمند واقعی‌اند و بقیه‌شان فقط چون به گدایی عادت کرده‌اند دست به تکی‌گری می‌زنند یعنی ۷۰ درصد کلاشی زیر پوشش گدایی، شهر بندرعباس پر از گداست؛ یکی از شهرهای پرگدای ایران. آن قدر که کلافه می‌شوی و اصلاً دلت نمی‌خواهد سمت اسکله و بازارها بروی. حسین هاشمی، نماینده مردم این شهر در



مریم خباز

جامعه

مجلس شورای اسلامی به ما می‌گوید این همه گدا چهره شهر و استان را در مجامع خارجی مخدوش کرده به این دلیل که گمان می‌رود این لشکر متکدی همه ایرانی‌اند و بندرعباسی، او اما می‌گوید به جرات می‌شود گفت بیش از ۸۰ درصد این افراد غیربومی‌اند و بیشتر مسافرائی از پاکستان و بنگلادش. هاشمی می‌گوید بارها شده دستگاه‌های مسؤول مثل بهزیستی و شهرداری این گداها

را انتخاب کند و به تحصیلش ادامه دهد. سلطانیان ادامه داد: اما در تبصره‌های ماده۶ آیین نامه آمده بود که برخی دروس پایه یازدهم، پیش نیاز پایه دوازدهم محسوب می‌شوند و دانش آموز باید کف نمره را کسب کند. معمولاً در هر رشته تخصصی سه چهار درس این گونه بود و پیش نیاز می‌خورد. مدیرکل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه

را تحویل اداره اتباع داده‌اند و یا اگر ایرانی بوده آنها را به زادگاهشان برگردانده‌اند ولی ۲۴ ساعت نگذشته دوباره برگشته‌اند به ساحل خلیج فارس و چمباتمه زده‌اند کنار مجتمع‌های تجاری.

با این حال مهدی گلشنی مدیر واحد فوریت‌های خدمات اجتماعی شهرداری تهران به ما می‌گوید متکدیان فقط خارجی نیستند بلکه میانشان نیازمندان واقعی هم وجود دارند که البته تعدادشان بسیار اندک است چون نیازمند واقعی صورتش را با سیلی سرخ نگه می‌دارد. حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی کشور ولی می‌گوید وقتی فشاراقتصادی هر روز بر مردم بیشتر می‌شود چه خوشمان بیاید و چه نه بر تعداد فقر نیز افزوده می‌شود و نتیجه‌اش می‌شود سرریز شدن فقر درخیابان‌ها و افزایش تکدی‌گری. او معتقد است حتی گدایانی که عضوی از گروه‌هایی هستند که مردم باند خطابشان می‌کنند چیزی نیستند بجز آیینیه‌های تمام‌نمای فقر.

اما از نیازمندان واقعی فاکتور بگیریم باز می‌رسیم به گدایان حرفه‌ای که دولتی‌ها از گذشته تا امروز هرچه زده‌اند در قبالبشان به در بسته خورده‌اند. گدایانی که بیشتر بازیگرند تا فیکر، یک مشت آدمی که خوب بلندن با عواطف خلق ...! بازی کنند.

شامورتی بازی در خیابان

پیرمردی نشسته حوالی میدان فاطمی و زار زار گریه می‌کند، توی مشتش نیز چند تکه شیشه شکسته و جلوی پایش یک ترازوی خرد شده است. زار می‌زند که ترازو، این وسیله کسب و کار از دستش افتاده و شکسته و حالا او مانده با هفت سرعانه. پیرمردی ماسک به صورت زده و با یک سه تار مثلا می‌نوازد اما باریک که می‌شوی آمپلی‌فایری فلش‌خور همراهش است که او سه تار می‌زند به جای پیرمرد. یک زن و مرد و یک بچه بغلی، مثل سمبل یاس و ناامیدی ایستاده‌اند کنار داروخانه خیابان میرداماد و نسخه‌شان را مثل بادبان باد می‌دهند که بچه مریض روبه‌موت است و آنها پول ندارند. زنی درخیابان شریعتی پشت چراغ قرمز خیابان بهشتی دستمال کاغذی‌های کوچک را به دو برابر قیمت می‌فروشد و شیشه هر ماشینی که پایین باشد سر می‌کند داخل و طلب برنج و روغن می‌کند برای بچه‌های گرسنه و پتیمش. مردی رفته بود برای خرید به مغازه، و مغازه‌ای در بالای شهر، بچه‌ای اما با سر و وضعی آشفته آمده بود داخل که امشب مثل شب‌های دیگر غذا نداریم بخوریم و هوس برنج کرده‌ام. مردعاطفه‌اش می‌جوشد و یک کیسه برنج برای پسرک می‌خرد و این داستان همچنان ادامه دارد...

اینها شگردهای گدایی در تهران است که بازیگرانی بشدت حرفه‌ای دارند. آن قدر اینها خوب ضجه می‌زنند که دل سنگ‌آب می‌شود و کسی که کمک نمی‌کند عذاب وجدان گلوگیرش می‌شود. پیرمردی که حوالی میدان فاطمی برای ترازویش اشک می‌ریزد این اشک تمساح وسیله کاسبی اوست و پیرمردی که سه‌تار می‌زند به اسم هنرنمایی فقط برای مردم آهنگ بخش می‌کند تا پولی بگیرد. آن مریض کنار داروخانه میرداماد نیز مشغول زل بازی است و آن بچه‌ای که هوس برنج کرده کودکی تربیت شده است برای گدایی که آن کیسه برنج را بلافاصله که تحویل گرفت برد برای فروش.

مهدی گلشنی می‌گوید متکدیان از این ترفندهای رنگ‌به‌رنگ زیاد دارند و شگردهایشان آنقدر زیاد است که شهرداری از آنها قایل‌های قطوری درست کرده و مثال می‌آورد از تجربه تازه‌اش که مردی را روی ویلچر آشفته و حیران سوار ماشین‌های گشت کردند که تحویلش دهند

نظری وزارت آموزش و پرورش با بیان این‌که این ماجرا در دوره‌های قبل از مانیز وجود داشت و تجربه خوبی نداشتیم، گفت: دانش آموز ناچار می‌شد دروسی را که در آنها مردود شده، دوباره برارد و به همین ترتیب باید چند درس پایه دوازدهمش را تابستان بعد برمی‌داشت واین یک پنجره باز در برنامه هفتگی دانش آموز ایجاد می‌کرد. / ایسنا

به کمیته امداد برای تحت پوشش رفتن ولی قضیه که جدی شد آن مرد روی دوپا ایستاد و گلشنی می‌خندند که ما آن مرد را شفا دادیم.

فیلم‌های زیادی از این گدایان قلابی موجود است که بعضی‌هایشان به‌غایت خنده‌دار است مثل زنی گدا فرورفته زیرچاردی مشکی که دو مرد پول خردی می‌گذارند کف دستش ولی معلوم نیست که به چه شک می‌کنند و چادر را از سرش می‌کشند و معلوم می‌شود آن زیر مردی گدا نشسته است. مرد جوان گدایی که با دو عصا لنگ‌لنگان دارد از خیابانی می‌گذرد ولی چون ماشینی نزدیک است به او بگوید و او هم ناغافل عصا را روی هوا می‌گیرد و مثل آهو می‌دود از آن فیلم‌های خنده‌دار روزگار است. مهدی گلشنی می‌گوید اما غلبه بیشتر با متکدیانی است که به شبه متکدی مشهورند، همان‌هایی که فال و دستمال می‌فروشند یا به زور برایت اسفند دود می‌کنند و شیشه ماشینت را تی می‌کشند. متکدیانی که به گفته گلشنی چون می‌دانند قانون آنها را مجرم تلقی می‌کند به وقت دستگیری ادعا می‌کنند دستفروشد.

پدیده‌ای زاییده‌ناهماهنگی

شاید فقط مردم تبریز بتوانند ادعا کنند در شهرشان گدا نیست وگرنه بقیه شهرها مخصوصا شهرهای بی‌در و پیکر و بزرگ همه گرفتار گدا می‌اند، سسر سلسله‌شان نیز تهران، پایتخت همه آسیب‌های اجتماعی. دیروز عیسی فرهادی فرماندار تهران گفت که شهرداری و بهزیستی هیچ‌کدام به وظایفشان در قبال ساماندهی متکدیان عمل نکرده‌اند و اگر کرده‌اند این سهم ناچیز بوده است مثل بهزیستی که او مدعی است فقط به ۲۰ درصد از وظایفش جامه عمل پوشانده. فرهادی حتی به نحوه فعالیت مجتمع فوریت‌های آسیب‌های اجتماعی نیز نقد داشت و گفت که کار این مجتمع رضایت بخش نیست.

دیروز مسؤولان بهزیستی در دسترس نبودند اما ما با علی صادقی معاون حمایت‌های اجتماعی سازمان رفاه و خدمات شهری شهرداری تهران که صحبت کردیم گفت که ریاست این مجتمع با شخص فرماندار است و اگر مشکلی هست نباید آن را در شهرداری جست.

صادقی توضیح داد که مجتمع فوریت‌های آسیب‌های اجتماعی سال ۹۵ در نازی‌آباد تهران افتتاح شد، اما چون هیچ‌یک از دستگاه‌های مسؤول پای کار نیامدند و به غیر از شهرداری و بهزیستی همه شانه خالی کردند این مجتمع ماند و خاك خورد. او می‌گوید با این حال امسال ساختمانی مجهز با ۳۰۰ متر زیربنا درخیابان فتح کنار گرمخانه منطقه ۹ تحویل فرمانداری شده که بازهم خاك می‌خورد و کارایی لازم را ندارد.

این مجتمع قراربود مرکزی برای غربالگری آسیب‌دیدگان اجتماعی که بروزی خیابانی دارند- ازجمله متکدیان- باشد تا روشن کند چه تعدادشان نیازمند واقعی و چه تعداد متکدی حرفه‌ای هستند و آن‌گاه براساس سیستم ارجاع یا به مراکز درمانی فرستاده شوند، یا به نهادهای حمایتی یا به اداره اتباع بیگانه و یا به شوراهای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر. اما وقتی این مجتمع خاك می‌خورد و ۱۲ نهادی که در قبال ساماندهی متکدیان وظیفه قانونی دارند پای کار نمی‌آیند معلوم است که گدا و گدا نما از سر و کول تهران بالا می‌رود.

نه در تهران که درهمه جای کشور این ناهماهنگی‌ها وجود دارد و چون اینچنین است هیچ شهری از متکدیان خالی نمی‌شود و طبیعی است چون در کار گدایی دست زیاد است متکدیان نیز به حکم تراز بقا، شگردی از پس شگردی دیگر از آستین درمی‌آورند. ﺋ



از وظایف بسیج دانشجویی شهر شیراز، رسیدگی به محرومین شهر، افراد ناتوان و بحث حاشیه‌نشینی است. مرگ خانم میانسال، یک زنگ خطری برای مردم شیراز، دانشجویان و مسؤولان به حساب می‌آمد. «پس از ماجرای گل‌بس، نامه‌نگاری‌ها به مسؤولان شهرداری‌ها و بهزیستی شروع شد. مسؤولان هم جواب‌هایی دادند، جواب‌هایی که البته از نظر بکریایی، هیچ‌کدام قانع‌کننده نبودند. همین هم باعث شد تا آنها دست به تجمع بزنند؛ «باید دست به‌کاری‌شدیم. ما نماینده مردم شهر هستیم و باید تمام مسؤولان پای این کار باشند. نتیجه تجمع ما در جلوی ساختمان شورای شهر مثبت بوده است. امیدواریم که در ادامه هم مشکلات حل شوند.» ﺋ

دانشجویان به‌دنبال سروسامان دادن همیشگی کارتن‌خواب‌ها هستند و در صورتی که این مهم انجام نشود، دوباره تجمع خواهند کرد. نکته قابل تامل اما همراهی مردم است: «در تجمع ما مردم هم با ما همراهی کردند و همراه ما جلوی در ساختمان شهرداری تجمع کردند. ما هیچ فراخوان عمومی در بین مردم منتشر نکردیم، اما مردم هم در فضای مجازی و هم حضوری از ما حمایت کردند. آنها با حضورشان جمع دانشجویی ما را که حدود ۵۰ ۴۰ نفری می‌شد، بیشتر کردند.» ابوالفضل بکریایی یکی دیگر از دانشجویانی است که در تجمع شرکت کرده است و در بین دانشجویان شب را تا صبح در خیابان خوابیده است. او به جام جم می‌گوید: «یکی

کردیم. این حرکت باعث شد تا یکی از اعضای شورای شهر شیراز و یکی از مسؤولان شهرداری در جمع دانشجویان حاضر شوند. درنهایت روز بعد از حرکت دانشجویان، مسؤولان شهرداری و استانداری برای رفع مشکلات، با حضور دانشجویان جلساتی را تشکیل دادند. زبارتی عنوان می‌کند: از تابستان امسال جلساتی برای حل این مشکل برگزار شده است، اما نتیجه‌ای حاصل نشده تا تجمع دانشجویان که باعث خیر شده و اتفاقاتی را رقم زده است؛ قرار شده مسؤولان به صورت موقت، کارتن‌خواب‌ها را در محلی که در نظر گرفته‌اند اسکان دهند. از دانشجووان هم نمایندگانی به همراه مسؤولان جمع‌آوری خواهد بود. زبارتی البته تأکید می‌کند که

است که این معضل شیراز نیست و در همه شهرها هم وجود دارد. پس از داستان گل بس، دانشجویان به حکم مطالبه‌گری‌شان برای حمایت از کارتن‌خواب‌ها دست به کار شدند: «دانشجویان مطالبه‌گر هستند و بعد از این بود که ما تصمیم گرفتیم برای حمایت از مطالبات مردمی تجمعی را صورت دهیم تا مسؤولان امر پای کار بایانند.» براساس قانون، مسؤولان باید وظایف خود را انجام می‌دادند، وظیفه‌ای که انجام نشده است: «بسیج دانشگاه شیراز با وجود این که در فصل امتحانات قرار داشت تصمیم گرفت که به وظایف خود عمل کند و تجمعی را انجام دهد.

بیانیه‌ای صادر کردیم و تمام خواسته‌هایمان را در این بیانیه اعلام

احسان زبارتی، مسؤول بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز است. او در تجمع سه‌شنبه‌شب دانشجویان حضور داشته و با صدایی گرفته و با سرفه‌های شدید در گفت‌وگو با جام‌جم درباره تجمع دانشجویان در جلوی ساختمان شورای شهر شیراز می‌گوید: «چند وقت پیش یک خانم کارتن‌خواب به هر دلیلی مانند سرما یا مصرف مواد مخدر و ... در خیابان فوت کرد. ما بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که مسؤولان در این زمینه کوتاهی کرده‌اند.

ارگان‌ها و سازمان‌ها باید این دوستان را حمایت می‌کردند، از خیابان جمعشان می‌کردند و آنها را اسکان می‌دادند. این اتفاق ولی نیفتاده است.» زبارتی البته معتقد